

## تحلیل تفسیری جایگاه و نقش «مصابره» و «مربطه» در پیوند با امام عصر عجله با محوریت آیه ۲۰۰ سوره آل عمران

محمد جواد فلاح<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از دستوره‌های قرآن به مومنان در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران امر به «صبر» و «پایداری» و در کنار آن «مصابره» و «مربطه» است. بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران، به‌ویژه مفسران و آنچه از روایات معصومان علیهم‌السلام به دست می‌آید، بین صبر و مصابره تفاوت‌هایی است، ضمن این‌که مصابره با معنای گفته شده، با مربوطه ارتباط معنایی دارد. یکی از تحلیل‌ها و معنایی که در مورد مربوطه آمده، پیوند با امام است که روایات شیعی آن را تأیید می‌کند و آن را به «الزام مومنان برای ارتباط و پیوند با امام معصوم علیه‌السلام» تفسیر کرده‌اند.

این مقاله با تمرکز بر آیه مذکور و به روش توصیفی - تحلیلی ضمن تحلیل معنایی گفته شده و تبیین رابطه معنایی مصابره و مربوطه، از رابطه تعاملی این دو مفهوم در پیوند با امام عصر عجله سخن خواهد گفت. «مصابره» به معنای همراهی، کمک کردن و معاضدت مومنان به یکدیگر در «صبر» است و «مربطه» هم افزایی و معاونت یکدیگر در آمادگی و حراست از مرزهای اسلامی و پیوند و ارتباط با امام است که به‌ویژه با مسئله انتظار که بر صبر و آمادگی متکی است؛ پیوند معنایی دارد. این ایده متخذ از آیات قرآن، نافی دیدگاه کسانی است که باور به مهدویت را امری شخصی و یا حضور امام عجله را انکار می‌کنند.

واژگان کلیدی: مصابره، مربوطه، اخلاق انتظار، امام منتظر، آیه ۲۰۰ سوره آل عمران.

## ۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین آیاتی که مفسران آن را در ضرورت پیوند امامان معصوم علیهم‌السلام مطرح کرده‌اند، آیه ۲۰۰ سوره آل عمران است:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [در برابر مشکلات و هوس‌ها] استقامت کنید! و در برابر دشمنان [نیز]، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.

در شان نزول این آیه مطالبی عنوان شده است، در نقلی محمد بن ابراهیم النعمانی از امام محمدباقر علیه‌السلام و ایشان از پدر بزرگوارش، امام علی بن الحسین علیه‌السلام چنین روایت می‌کنند:

عبدالله بن عباس کسی را نزد امام فرستاد تا درباره این آیه از او سؤال کند. امام زین العابدین علیه‌السلام در خشم شد و به شخص سائل فرمود: «خیلی میل داشتم با کسی که تو را به این منظور فرستاده است، مواجه می‌شدم تا به خودش می‌گفتم،» سپس فرمود: «این آیه درباره ما اهل بیت و پدرم نازل شده است و از این پس، دشمنی که باید از او خویشتن را محفوظ بداریم، جز از نسل او [بنی عباس] نمی‌تواند باشد. در نقلی دیگر نیز ابوالطفیل، از امام باقر علیه‌السلام چنین روایت می‌کند: این آیه درباره ما اهل بیت نازل شده است و دشمنی که باید از او خویشتن را محفوظ بداریم، از خود ما خواهد بود<sup>۱</sup> (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۲۱۳).

این شان نزول نزد اهل سنت نیز طرح شده است؛ چرا که حسین بن مساعد از طریق مخالفان روایت می‌کند که این آیه درباره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی مرتضی علیه‌السلام و حمزه سیدالشهدا رضی‌الله‌عنهما نازل گردیده است (محقق، ۱۳۶۱: ص ۱۷۷ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷، ص ۱۳۶).

این شان نزول در کنار روایاتی که ذیل آیه آمده است، اجمالا نشان می‌دهد که نزدیک‌ترین مصداق به آیه، اهل بیت علیهم‌السلام هستند که در زمان حاضر مصداق تام آن، حضرت حجت علیه‌السلام است.

این آیه جامعه اسلامی را به سه خصلت «صبر»، «مصابره» و «مرابطه»، سفارش فرموده و

۱. منظور امام، «خلفای عباسی» بوده که از نسل عباس عموی پیامبر بوده‌اند.

رستگاری فرد و اجتماع را چه درباره رفع نیازهای زندگی و چه از نظر فضیلت و تأمین سعادت اخروی، به اجرای آن سه خصلت مشروط کرده و با به‌کار بردن آن سه خصلت، رستگاری آنان را نوید داده است. در این آیه ضمن آن که مفسران بین صبر و مصابره تفاوت قائل شده‌اند، مرابطه را با معانی و تفسیرهای مختلفی ارائه کرده‌اند. یکی از این معانی که به‌ویژه در روایات منعکس شده، «ارتباط و پیوند مردم با امام» است که مسئله اصلی این مقاله است. با توجه به عطف شدن مصابره و مرابطه از یک‌سو و رفتن این دو مفهوم در باب افتعال که گویای مشارکت در امر صبر و رباط و در واقع نوعی تعاون در این دو مقوله است؛ می‌توان این آیه را در پیوند با مسائل اجتماعی و ارتباط امت واحد و پیوند آن‌ها در پیروی از امام قلمداد کرد. مستفاد از مصابره «صبر جمعی» است که صبرهای مومنان را با هم و در کنار هم معنا کرده و از طرفی آن‌ها را به پیوند با امام تشویق و ترغیب می‌کند. شاید بتوان بین صبر فردی، صبر اجتماعی و هم‌نوایی در پیوند جمعی و متحدانه با امام علیه السلام بر اساس آیه مذکور، پیوند معناداری یافت که برآیند این پیوند یکی از مهم‌ترین رهیافت‌ها در مقوله «اخلاق انتظار» است.

البته دیدگاه‌های دیگری نیز در تبیین و تفسیر آیه مورد توجه است؛ از جمله دیدگاه‌های اهل سنت را می‌توان عنوان ساخت که آنان برای آیه تفاسیر مختلفی بر اساس اقوال ارائه کرده‌اند. مثلاً طبری در تفسیر خود به مجموعه‌ای از این دیدگاه‌ها اشاره کرده است. دربخشی از این دیدگاه‌ها «اصبروا» به معنای صبر بر طاعت خدا، صبر بر اوامر الهی و صبر در دین معنا شده و «صابروا» به معنای مصابره و صبر جمعی در مقابل اهل گمراهی و ضلالت و مشرکان و دشمنان خدا عنوان شده است. مرابطه نیز به پیوند و ارتباط در راه خدا، و ارتباط با همدیگر و در برابر دشمنان خدا معرفی شده است (طبری، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۱۴۸).

البته بیش‌ترین توجه ما در این مقاله به معنای مرابطه است که در پیوند با امام منتظر آن را تبیین خواهیم کرد. در تفاسیر اهل سنت «مربطه» را به چند معنای دیگر نیز بیان کرده‌اند؛ مثلاً طبری از قول عده‌ای می‌گوید:

«قال آخرون: معنی: وَ رَابِطُوا أَى رَابَطُوا عَلَى الصَّلَاةِ: أَى انتظروها واحدة بعد واحدة (همان، ص ۱۴۸) و در جای دیگر آن را به معنای انتظار الصلاة خلف الصلاة (همان) معنا کرده است.

در تفاسیر تشیع نیز این نگاه متفاوت است و چنان که بیان خواهد شد، در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی طرح شده است. البته محوری‌ترین معنایی که برای رابطه در این آیه بر آن تأکید شده؛ رابطه با ائمه هدا است. در این زمینه، به‌ویژه روایات متعددی مورد استناد تفاسیر شیعی قرار گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه در تفسیر برهان برمبنای تعدادی از این روایات، مصادیق صبر، مصابره و رابطه طرح گردیده است (بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۷۳۰). که در ادامه مباحث مورد توجه بیش‌تری واقع خواهند شد.

بر اساس روایات نقل شده از ائمه اطهار علیهم‌السلام، رابطه در آیه دال بر پیوند با امام عصر علیه‌السلام است. در منابع روایی از امام باقر علیه‌السلام چنین نقل شده است:

فِي قَوْلِهِ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا﴾؛ قَالَ: «اصْبِرُوا عَلَيَّ أَدَاءَ الْفَرَائِضِ، وَ صَابِرُوا عَدْوَكُمْ، وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنْتَظَرَ» (همان).

این روایت را شیخ مفید در تأویل الایات، جلد اول، صفحه ۴۷ و ۱۲۷ نیز مورد توجه قرار داده و عین آن را نقل کرده است.

آنچه اجمالاً می‌توان در مورد اسناد روایات مربوط به تفسیر و تبیین آیه و انطباق آن با رابطه با امام عصر علیه‌السلام توجه داد؛ این که این روایات از منظر سند و دلالت قابل اعتناست و می‌توان به آن‌ها استناد کرد. به‌عنوان نمونه در روایت پیش گفته که «مسند» است، سلسله راویان بدین شرح ذکر شده‌اند:

مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ النُّعْمَانِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْبَنْدَرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَبَّاسِيِّ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجْلِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه‌السلام، كَمَا هَمِينَ سَنَدًا نَقَلَ كَرَاهَةً.

با این وصف، تحلیل دلالت آیه و تبیین آن مسئله پیش روی مقاله حاضر است و آنچه می‌تواند مسئله این مقاله را با دیدگاه‌های دیگر متفاوت سازد، توجه و تأکید بر رابطه با امام عصر علیه‌السلام است که در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است. تبیین چگونگی پیوند مضامین آیه با رابطه با امام عصر علیه‌السلام بر اساس آموزه‌های روایی و تفسیری از نوآوری‌های پژوهش

۱. رَوَى هَذَا الْحَدِيثَ الشَّيْخُ الْمُفِيدُ فِي (الْغَيْبَةِ) بِإِسْنَادِهِ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجْلِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام (الْحَدِيثِ يَعْنِيهِ) (بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۷۳۰).

حاضر است. بر این اساس، مفهوم انتظار با توجه به آیات و روایات متعددی که به تفسیر آن پرداخته‌اند، متضمن دو مفهوم کلیدی است؛ یکی «آمادگی» و دیگری «صبر» و «تحمل» است که در کلمات معصومان علیهم‌السلام مطرح شده است. از طرفی این صبر و آمادگی وقتی به شکل جمعی و با پیوند خوردن مومنان به یکدیگر محقق شود، می‌تواند زمینه ساز ایجاد دولت کریمه گردد. این آیه بر اساس شواهد موجود و تحلیل‌های ارائه شده می‌تواند بایسته‌های اجتماعی جامعه مسلمین را در امر پیوند با امام و تحقق فرهنگ انتظار ترسیم کند. ما با تاکید بر دیدگاه مفسران و بهرمندی از دیگر دیدگاه‌ها این مسئله را مورد توجه قرار خواهیم داد.

## ۲. تحلیل «صبر»، «مصابره» و «مربطه» و پیوند آن‌ها

۱-۲. معنای صبر: «صبر»، در لغت، یعنی جلوگیری و حبس کردن نفس، بر چیزی است که عقل یا شرع یا هر دو اقتضا می‌کنند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۴۷۴). در کتاب‌های اخلاقی و تفسیری، مصادیق چنین صبوری به شکل‌های متفاوت و مصادیق گوناگون بیان شده است: صبر در مصیبت، صبر در برابر معصیت، صبر بر طاعت و صبر بر نعمت. این صبر با مفهوم «مصابره» متفاوت است که در دیدگاه‌های تفصیلی‌تر آن را بیان خواهیم کرد.

گفتنی است که در تفسیر صبر، روایتی جامع از امام صادق علیه‌السلام رسیده که ذکر آن در توضیح اطلاق این آیه شایان توجه است:

جاء جبرئیل إلی النبی ﷺ... قال له النبی ﷺ... یا جبرئیل ما تفسیر الصبر؟  
قال: یصبر فی الضراء كما یصبر فی السراء، و فی الفاقة كما یصبر فی الغنی، و فی  
البلاء كما یصبر فی العافیة، فلا یشکو خالقه عند المخلوق بما یصیبه من البلاء (ابن  
بابویه، ۱۳۹۴: ص ۲۶۰).

این نکته بدیهی است که این روایات به مراتب صبر و اقسام آن نیز ناظرند. از این جهت، صبر ظرفیتی است که می‌تواند انسان را به سعادت و سیادت دنیوی و اخروی برساند. باری مقصود از صبر در آیه ذکر شده حائز اهمیت است. پرسشی که مطرح است این است که مقصود آیه از صبر در عبارت «اصبروا» چیست؟ این عبارت که با صیغه جمع و به شکل امر آمده است، چه دلالتی در بر دارد؟ آیا معنای مطلق از آیه استنباط می‌شود یا می‌توان آیه را به هويت جمعی مومنان و البته به پیوند اجتماعی امام و امت ناظر دانست و آن را به پیوند

امت با امام زمام و پایداری و صبر و نیز مراقبت نسبت به امر حضرت، به‌ویژه در عصر ظهور دانست؛ یا با توجه به تعبیر «مصابره» و «مرباطه» برای آن معنای متفاوتی قائل شویم. در این زمینه مفسران دیدگاه‌هایی مطرح کرده‌اند که با توجه به آن مسئله را تحلیل خواهیم کرد: از منظر مفسران، امرهایی که در این آیه آمده است؛ یعنی «اصبروا»، «صابروا»، «رابطوا» و «اتقوا»، همه مطلق و بدون قید است؛ در نتیجه «صبر» در «اصبروا»، هم صبر بر سختی‌ها و مشکلات را شامل می‌شود، و هم صبر در اطاعت خدا، و نیز صبر بر ترک معصیت را. به هر حال، منظور از آن صبر تک تک افراد است.

۲-۲. معنای مصابره و مرباطه: با توجه به معنای لغوی صبر، می‌توان معنای مصابره را نیز دریافت؛ در اصل در آیه مبارکه چون پس از صبر «اصبروا» آن را به صیغۀ «صابروا» آورده که از باب مفاعله است، باید به باب مورد نظر توجه کرد این باب زمانی به کار می‌رود که ماده فعل، بین دو طرف تحقق می‌یابد.

در اصل در این جا «صبر» افراد است در همه ابعاد زندگی و همه گونه‌های صبر را در بر دارد؛ ولی با توجه به واژه صابروا در این مورد «صبر تعاملی» مقصود است.

مفهوم دیگری که در آیه آمده است، «ربط» است که در لغت به معنای بستن است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۴۷ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۳۳۸). بعداً برای هر کس که در حصار پناه گیرد و در آن از دشمنان بیرون حصار دفاع کند، استعمال شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۹۱۸).

«رباط» مواظبت و مداومت بر چیزی برای انجام دادن کاری است (این منظور، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۳۰۲ و فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۴۲۲-۴۲۳). «ربط الفرس» بستن اسب در مکانی جهت نگهداری است و «رباط» به معنای کاروانسرا از همین معناست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۳۳۸). رباطوا: «ربط»، محکم کردن و بستن چیزی در موضع یا موضوعی است تا بر حالت استواری بماند. «مرباطه»، تحقق ارتباط بین مردم (وابسته شدن و وابستگی پیدا کردن) است (مصطفوی، ۱۳۷۵: ج ۴، ص ۳۲). صاحب مجمع البیان در معنای لغوی آن می‌گوید:

أصل الرباط ارتباط الخيل للعدو و الربط الشد و منه قولهم ربط الله على قلبه بالصبر ثم استعمل في كل مقيم في ثغر يدفع عن من وراءه ممن أرادهم بسوء و الرباط أيضا اسم لما يشد به (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۹۱۸).

پس از دعوت به صبر در عبارت اول آیه چنین درخواستی در باب مفاعله، نوعی از صبر را از مومنان طلب می‌کند که هرچند دربر دارنده صبر فردی است، دارای نوعی ویژگی است، آن هم تعامل و هم داستانی در صبر است. البته در این زمینه که صبر در «صابروا» به چه معناست، دیدگاه‌هایی طرح شده که اجمالاً بیان شد. از سویی دیگر این که این نوع صبر در کنار «رابطوا» آمده و هر دو در یک باب بیان شده است که این، می‌تواند حاکی از پیوند این نوع صبر با مسئله رابطوا باشد. از این جهت می‌توان در معنای مصابره و رابطه تامل کرد. در این آیه «صبر»، «مصابره» و «رابطه» در کنار «تقوا» مورد امر الاهی قرار گرفته است. اما دیدگاه‌های تفسیری ذیل آیه چنین پیوندی را تشریح می‌کند:

**دیدگاه اول:** مقصود از مصابره و رابطه چیست؟ «مصابره»، عبارت است از: این که جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت‌ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر است؛ دست به دست هم دهد و تأثیر صبر بیش‌تر گردد. این معنا امری است که هم در فرد محسوس است - اگر نسبت به حال شخصی او در نظر گرفته شود- و هم در اجتماع - اگر نسبت به حال اجتماع و تعاون او در نظر گرفته شود؛ زیرا باعث می‌شود که تک تک افراد، نیروی یکدیگر را به هم ضمیمه کنند تا همه نیروها یکی شود.

می‌توان بر اساس دیدگاه مذکور؛ درباره رابطه نیز بحث کرد: «رابطوا»، از ماده «ربط»، است که به باب مفاعله برده شده و مصدرش رابطه، از نظر معنا، اعم از «مصابره» است؛ زیرا مصابره عبارت بود از: وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر سختی‌ها و مشکلات؛ اما رابطه عبارت از: وصل کردن نیروها است؛ اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شداید و سختی‌ها (مصابره)، بلکه همه نیروها و کارها، در جمیع شؤون زندگی دینی، چه در شدت و سختی، چه در آسایش و خوشی؛ چون مراد از رابطه آن است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد، نه به برخی از سعادت و خوشبختی‌ها، به همین دلیل قرآن بعد از سه عبارت: «اصبروا»، «صابروا» و «رابطوا»، جمله «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» را آورده است. البته منظور از این فلاح و رستگاری نیز، فلاح و رستگاری تام حقیقی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۹۱ و ۹۲).

در اصل بین «صابروا» و «رابطوا» «عموم خصوص مطلق» است؛ به این معنا که مصابره



می‌تواند مصداق مرابطه باشد؛ ولی هر مصابره‌ای مرابطه نیست؛ چرا که مرابطه همه شئون را در بر می‌گیرد و به مومنان توصیه می‌کند، این مرابطه و ارتباط تعاملی در همه ابعاد باشد؛ نه صرفاً صبر و مقاومت.

دیدگاه دوم: از منظر برخی دیگر از مفسران؛ مراد از صبر، در این آیه، صبر و مقاومت در برابر دشمن و مخالف است که از آن، به «شجاعت» و «قوت قلب» تعبیر می‌شود که این هم دو قسم است:

الف) صبر در برابر خواسته‌ها و هواهای نفسانی و زیبایی‌های دنیوی که به آن جهاد اکبر گفته می‌شود.

ب) صبر در برابر دشمنان دین از کفار و مشرکان که به آن «جهاد اصغر» می‌گویند. در اصل در این معنا مفهوم مقابله نهفته است؛ یعنی در مقابل دشمن از خود صبر نشان دهید. بر این اساس؛ «مصابره»، مصدر باب مفاعله است و باب مفاعله امری است بین دو طرف و دو فرد؛ یعنی شما در جنگ با دشمنان دین شکیبیا و بردبار باشید، چنان که آنان در مقابل شما شکیبیا و بردبار هستند. از طرفی «مرباطه»، یعنی هر قدر و به هر شکل که دشمنان دین برای جنگ با شما لشکر و مرکب آماده می‌کنند، شما نیز برای جنگ با ایشان ساز و برگ نظامی فراهم و از مرزهای خود مواظبت و محافظت کنید (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۹۱۹).

در این جا صبر در برابر صبر و آمادگی؛ در مقابل آمادگی معنایی است که از مصابره و مرابطه بدست می‌آید؛ چرا که دشمن نیز در برابر خواسته‌ها و آسودگی خودش صبر کرده و با یکدیگر برای حفظ نظام و هویتشان آمادگی ایجاد کرده‌اند شما نیز در مقابل صبر پیشه کنید و آماده باشید.

دیدگاه سوم: برخی دیگر می‌گویند: «رابطوا» از ماده «ربط» است که به باب مفاعله رفته است، اما معنای دو طرف و بین دو نفر را ندارد، بلکه نظیر کلمه: «سافر» (مسافرت کرد) و «ضاعف» (دو برابر کرد) و امثال آن‌ها است (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ج ۳، ص ۱۱۹). ربط هم به معنای بستن است، پس مرابطه یعنی جمعی از مؤمنان در مرزهای کشورهای اسلامی مرزدار می‌کنند و راه حمله و نفوذ دشمن را ببندند؛ یعنی از راه بستن مرزها از کشور، مواظبت کنند (طیب، ۱۳۷۸: ج ۳، ص ۴۷۰).



در معنای مذکور، دیگر مقابله و در مقابل دشمن و دیگران ایستادگی و آمادگی معنا ندارد؛ بلکه به این معناست که مومنان در کنار یکدیگر صبر پیشه سازند و در کنار یکدیگر برای حفظ کیان اسلامی مراقبت و مواظبت کنند. اگر این معنا را بپذیریم، باید تفاوت مصابره و صابرو را در آیه مورد توجه قرار دهیم؛ چرا که در این صورت معنای صبر و مصابره یکی خواهد شد، حال آن که مقصود قرآن از ارائه متفاوت این دو واژه، معنای متفاوت آن دو است. دیدگاه چهارم: این دیدگاه در بیان زمخشری صاحب کشف منعکس شده است. وی در الکشاف این نکته ظریف را بیان کرده است که دو کلمه «صابرو» و «رابطوا» دارای هیأت باب مفاعله‌اند؛ اما به فعل طرفینی چگونه می‌توان امر کرد، اگر یکی از دو گروه، اهل باطل باشند و از صبر و رباط نهی شده باشند؟ به بیان دیگر چون این باب گویای مشارکت است؛ پس امر الاهی به هردو گروه مومن و کفار تعلق می‌گیرد، حال آن که چنین دستور اخلاقی و ایمانی مختص مومنان است؛ نه این که این دستور به هردو گروه ناظر باشد که در مقابل هم صبر یا آمادگی پیشه کنند. وی به طور اشاره به چنین محذوریتی چنین پاسخ می‌دهد:

(و صابروا) أعداء الله فی الجهاد، ای غالبوهم فی الصبر علی شدائد الحرب و لا تكونوا أقل صبراً منهم و ثباتاً و المصابرة. باب من الصبر ذکر بعد الصبر علی ما یجب الصبر علیه، تخصیصاً لشدته و صعوبته (ورابطوا) و أقیموا فی الثغور رابطین خیلکم فیها مترصدین مستعدین للغزو، قال الله (عز وجل): ﴿وَمِن رِّبَاطِ الْخَیْلِ تُرْهِیُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ (انفال: ۶۰).

سخن زمخشری این است که باب مفاعله باب مبالغه است. پس (صابروا) و (رابطوا) بدین معناست که در صبر و رباط بر دشمن غلبه کنید؛ باید این معنا که بر صبر و آمادگی و مراقبت آن‌ها غلبه کنید. به بیان دیگر، دشمن اهل صبر و رباط است و شما باید صابرتر و مرابط‌تر، یعنی مرزدارتر باشید. اگر مصابره و مرابطه به معنای مغالبه در صبر و رباط باشند، می‌توانند مورد امر واقع گردند (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۴۰).

با این بیان، این ذهنیت که هردو گروه مومن و کافر متعلق امر الاهی باشند، دفع می‌شود؛ ولی نداشته باشد؛ هرچند پذیرش آن با اصول بیان شده در قرآن منافاتی ندارد.

دیدگاه پنجم: این دیدگاه را مرحوم علامه طباطبایی بیان کرده و مفاعله را به معنای مشارکت مومنان در امری مثل صبر و حفظ و آمادگی معنا کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۹۲).

وی معتقد است که (صابروا) و (رابطوا) مستقیماً متوجه مؤمنان است؛ به این معنا که صبرهایتان را با هم تبادل کنید؛ نه این که هر یک به تنهایی صبر کند، همان گونه که آیه شریفه «واعتصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران: ۱۰۳) فرمان می‌دهد، که همه «با هم» مسلمان باشید؛ نه فقط همه مسلمان باشید. پس اگر مسلمانان هماهنگی جمعی نداشته باشند، هیچ یک به آیه مزبور عمل نکرده است، زیرا فرمان «واعتصِمُوا» به معنای «مسلمان شوید» نیست، بلکه به معنای «با هم مسلمان باشید» و «با هم مسلمان بودن» است.

علامه «باهم مسلمان بودن» را به این معنا می‌داند: در مسائل نظری؛ «تبادل فکری»؛ در امور اجرایی و عملی «همکاری» و در مسائل دفاعی و جنگ «مصابره و مرابطه».

بر این اساس وی چنین نتیجه می‌گیرد:

«صابروا» و «رابطوا» خطاب به مؤمنان است؛ بدین معنا که با هم صبر و رباط داشته باشید؛ زیرا صبر هر انسانی محدود است؛ بعضی به زودی می‌رنجند و خسته می‌شوند. اگر مصابره جایگزین صبر فردی شود و مرابطه جایگزین حراست و نگهبانی انفرادی از مرزهای دینی شود؛ نقص ناشی از رنجش و خستگی بعضی با توانمندی و پایداری افراد دیگر ترمیم خواهد شد (همان).

با این بیان، هم مقتضای هیأت باب مفاعله محفوظ می‌ماند و هم چالش‌ها و محذوریت‌های اقوال پیش گفته، مثل دیدگاه فخر رازی یا زمخشری را ندارد. در مجموع، علامه معتقد است با این تفسیر، مصابره اگر در برابر رقیب باشد؛ به معنای استقامت در قبال پایداری طرف مقابل است و اگر در کار خیر جمعی باشد، آن گاه به معنای کمک به صبر دیگران، ترمیم ناشکیبایی یکدیگر به حلم و بردباری خود، با هم صبر کردن و صبرها را روی هم قراردادن و ضعف‌های فردی را با توان جمعی ترمیم کردن معنا می‌دهد؛ چنان که «مرباطه» مشابه این معنا را دربر دارد.

چنین دیدگاهی از علامه گویای روح جمعی و پیوند مسلمانان در صبر و مرابطه است که قطعاً به رشته‌ای پیوند دهنده نیازمند است. در اصل، پرسش اساسی این است که چه چیز می‌تواند صبرها را «معاضد» یکدیگر قرار دهد و مومنان را در کنار هم متوجه «صبر جمعی» و «آمادگی همگانی» قرار دهد؟ پاسخ این است که بر اساس اصول عقلی و اجتماعی نمی‌توان جامعه‌ای همراه و هم‌گرا؛ به‌ویژه در مصائب جنگ‌ها و مشکلات تصویر کرد، بدون آن که از

رشته پیوند دهنده آن‌ها سخن گفت. در این‌جا مسئله رهبر و امام، به عنوان پیوند دهنده امت مطرح است؛ آن‌گونه که امام رضا علیه السلام از امام به عنوان «نظام الامه» تعبیر فرمودند. این دیدگاه علامه آن‌گاه که در کنار تفسیر ائمه علیهم السلام از آیه مذکور مطرح می‌گردد، می‌تواند شاخص مهمی برای تبیین آیه و تفسیر مناسب آن محسوب شود که در دیدگاه ششم آن را پی می‌گیریم.

در اصل، آنچه می‌تواند مصابره را از معانی دیگری که بیان شده است، متفاوت کند، مسئولیت اجتماعی افراد است که در کنار یکدیگر بتوانند جامعه اسلامی را از خطر دشمنان دین ایمن سازند، اما اگر این سوال مطرح شود که چه چیزی می‌تواند باعث امنیت، کارایی و ثبات چنین روح جمعی و پیوند اجتماعی شود؛ پاسخ آن در رابطه با امام عصر علیه السلام است. در صورتی که امت اسلامی و جامعه شیعی این تعاضد هماهنگی و همکاری در دین خدا و اهداف اسلامی را تحت ولایت و سرپرستی و اذن امام عصر علیه السلام و بر اساس میزان ایشان صورت دهد؛ قطعاً چنین پیوندی ضمن استحکام، می‌تواند ثمرات مبارکی به همراه داشته باشد.

دیدگاه ششم: مهم‌ترین دیدگاه در این بخش به دیدگاه معصومان ذیل آیه برمی‌گردد و نیز به نوع تفسیری که از آیه برگزیده‌اند. این دیدگاه که بر معنای باطنی آیه مبتنی است، در روایات زیادی «مرباطه» را در بودن و معیت با امامان معصوم علیهم السلام تفسیر کرده‌اند، و در برخی از اخبار، امام منتظر علیه السلام ذکر شده است که برای نمونه، دو روایت را ذکر می‌کنیم و تحلیل بیش‌تر را در بخش دیگر مقاله پی خواهیم گرفت:

۱. امام باقر علیه السلام در معنای آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا»، فرمودند:

مراد خداوند متعال، از «اصبروا»، شکیبایی بر ادای واجبات و مرادش از «صابروا»، صبر و شکیبایی در برابر دشمنان، و مراد از «رابطوا»، مراقبت و محافظت از امام منتظر است.

۲. امام صادق علیه السلام در مورد: «اصبروا و صابروا و رابطوا»، فرمودند:

مراد از «اصبروا»، شکیبایی در «ادای واجبات» و مراد از «صابروا» شکیبایی «برمصیبت‌ها و پیشامدهای ناگوار»، و مراد از «رابطوا»، «مراقبت و محافظت» از امامان معصوم علیهم السلام و در تحت فرمان آنان بودن است.



بنابراین، معنای آیه چنین می‌شود: صبر پیشه کنید بر ادای واجبات الهی و همگی در مقابل دشمنان خود و در مصیبت‌ها شکیباً باشید و همیشه با امامان معصوم و امام زمان خود باشید که در انتظارش هستید و از او مراقبت کنید (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ص ۱۳۳). یعنی باید از امام علیه السلام در برابر دشمنان محافظت و از فرمان‌های وی اطاعت و از مخالفت با وی پرهیز کرد.

برخی مفسران «حفظ امام» را مصداق «حفظ دین» بیان کرده‌اند و معتقدند اگر چه حفظ امام، بیان مصداق است؛ در حقیقت، حفظ دین و قرآن، مورد عنایت حضرت حق می‌باشد؛ زیرا حفظ امام، در واقع حفظ دین اسلام و قرآن است (طیب، ۱۳۷۸: ج ۳، ص ۴۷۱). این دیدگاه گویای آن است که رابطه در پیوند با ائمه هدا و به‌ویژه امام زمان معنا می‌یابد و مصابره نیز با چنین مطلبی معنای متفاوت‌تری می‌یابد. شاید تعبیر رساتر آن باشد که صبر و آماده باش واقعی زمانی محقق می‌شود که افراد، خود را در معیت امام و بر اساس منویات او حفظ و مراقبت کنند. این دیدگاه را بیش‌تر تشریح خواهیم کرد.

### ۳. پیوند صبر، مصابره و رابطه با امام منتظر

#### ۳-۱. دلالت عبارت «اصبروا..»

صبر فردی، زمینه ساز مصابره و پیوند دهنده انسان با امام علیه السلام در عرصه انتظار است؛ آن چنان که بیان شد صبر، پایداری در برابر سختی‌ها و نامالایمات زندگی و خویش‌داری از شکایت به غیر خداست و صابر کسی است که در صحنه‌های گوناگون آزمون، مانند طاعت از خدا، پرهیز از معصیت و در تلخی مصیبت، بردباری و پایداری کند. در میان اقسام معهود صبر، صبر بر طاعت صبغه تقدم و سببیت دارد و به انسان توان صبر در مصیبت و صبر از معصیت می‌دهد. بر این اساس، ابتدا از «ایمان» یاد می‌شود؛ به این معنا که پیوند با امام زمان ابتدا باید با «ایمان» رقم بخورد، غیر مومن نمی‌تواند در ارتباط با امام زمان خود، مراقبه کند؛ به‌ویژه امام غایب که از مصادیق غیب و ایمان لازمه باورمندی به اوست. مهم‌ترین فضیلت زائیده ایمان، صبر است؛ چنین صبری ممکن است صبری فردی باشد؛ حتی در پیوند و ارتباط با امام زمان علیه السلام.

در فرهنگ معارف دینی «صبر» به معنای سکوت نیست، بلکه به معنای مقاومت و ایستادگی در برابر سختی‌ها و نامالایمات زندگی است که همواره به عنوان آزمون الهی انسان را همراهی

می‌کند؛ مانند رنج و مشقت در تحصیل علم، در اجرای فرایض و نوافل، در پرهیز از معصیت و در تلخی مصیبت.

«صابر» کسی است که در همه این صحنه‌ها پایداری ورزد و در هیچ عرصه‌ای جزع نکند، در صحنه عمل به وظیفه حضور داشته باشد، بلکه سیمت صابرخویش را که خداوند برای او معین فرموده است، حفظ کند و کار خویش را به نحو نیکو به انجام برساند.

تذکر این نکته سودمند است که صبر به معنای، خویشن‌داری از شکایت به غیر خداست؛ یعنی شکایت به خداوند، محمود و ممدوح است و منافی صبر نیست؛ بلکه ترک شکایت به خداوند ممکن است منشأ انتزاع استواری و مقاومت در برابر خداوند تلقی گردد که همین برداشت مایه نکوهیده شدن چنین حالتی است. لذا مردان الهی که از ملکه عصمت برخوردار و از موهبت نبوت متنعم و از فضیلت رسالت طرفی بسته بودند، شکایت به خداوند را در برنامه پرافتخار خود داشتند؛ مانند «إِنَّمَا أَشْكُوا بِنِيِّ وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ» (یوسف: ۸۶) و «أَتَى مَسْنَى الشَّيْطَانِ يُنْصَبُ وَعَذَابٌ» (ص: ۴۱)؛ که یکی از حضرت یعقوب و دیگری از حضرت ایوب نقل شده است.

چنین مسئله‌ای بدان معناست که در مرحله اول انسان باید بتواند صبر فردی را در خود محقق کند و به تقوای فردی نایل شود. این مسئله شرط در پیوند با امام و رسیدن به اهداف اجتماعی دین شرطی لازم است نه کافی. نکته مهمی که می‌توان از آیه برداشت کرد آن است که قطعاً افرادی در یاری امام توفیق می‌یابند که بتوانند صبر فردی را که لازمه صبر اجتماعی است در خود محقق سازند و در اصل به ملکه نفسانی صبر نایل شوند. البته صیغه امر، آن هم به صورت جمع نشان می‌دهد، این صبر فردی نیز از یک «وفاق همگانی» برخوردار است. یعنی ضمن این که تک تک افراد باید صبر را با همه اقسامش در زندگی خود جاری سازند، باید «هم داستان» و باهم به چنین صبری مبادرت ورزند؛ چرا که لازمه تحقق نظام و جامعه ایده آل و در معیت امام بودن، تحقق ملکات اخلاقی به‌ویژه صبر به شکل همگانی و عمومی است. با این وصف کسب چنین صبر فردی مهم و ضروری است و بدون آن نمی‌توان وارد عرصه مصابره و مرابطه و پیوند با امام شد. از این رو برخی معتقدند اطلاق امر «اصبروا» شامل همه موارد صبر انفرادی می‌شود؛ چنان که فرمان «صابروا» همه مصادیق صبر جمعی را دربر می‌گیرد.

البته برخی مفسران معتقدند امر «اصبروا» به صبر فردی ناظر و به این معناست که هر کس به صبر موظف است؛ اما «صابروا» به صبر جمعی و به معنای با هم صبر کردن ناظر است و به مؤمنان



می‌فرماید: صبرهایتان را با هم تبادل کنید. البته مصادیقی که در روایات برای صبر بیان شده می‌تواند در ارتباط با این معنا، یعنی الزام و توجه به امام علیه السلام باشد. برخی از مصادیق ذکر شده در روایات این موارد است:

۱. صبر بر نمازهای پنجگانه: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا...» علی الصلوات الخمس... (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۴۱۸).

در این باب روایت دیگری در تفسیر عیاشی آمده است: عن أبي عبدالله في قول الله: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا...» قال: اصبروا على الفرائض... (عیاشی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۱۲).  
بر اساس این معنا از صبر که همان مصداق صبر در عبادت است، باری می‌توان ارتباط آن با امام را این گونه توجیه کرد که صبر در برابر عبادات و فرایض که از جمله مصادیق آن «تولا» و «تبرا» است، زمینه پیوند با امام و در نهایت صیانت و حفاظت از دین را فراهم می‌کند؛ به‌ویژه آن که در مبانی و معارف شیعی، ادای فرائض بدون ولایت امام معنا ندارد. بر همین مبناست که در روایات «ولایت امام» به عنوان شرط پذیرش عبادت تلقی شده است.

۲. صبر در برابر معاصی: عن أبي عبدالله علیه السلام في قول الله تبارك و تعالی: «اصبروا» يقول: عن المعاصی... (همان).

این مصداق صبر نیز زمینه‌ای است برای پذیرش ایمان به امام معصوم. گناه و معاصی زمینه پذیرش را در انسان از بین می‌برند؛ ضمن این که از مصادیق معصیت، عدم پذیرش ولایت و باور به حضور امام حق است که به صبر و استقامت نیازمند است. به عبارت دیگر، اگر تولا و تبرا را از فروع احکام الهی تلقی کنیم، عدم چنین امری به منزله معصیت، گناه و دوری از خدا تلقی خواهد شد و اثر وضعی خود را در همه ارکان زندگی خواهد گذاشت. از این رو این مسئله با امام پیوند خورده و به مراقبت نیاز دارد.

۳. صبر در برابر مصائب: «عن أبي جعفر الباقر علیه السلام أنه قال: معناه اصبروا على المصائب...» (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۹۱۸).

در منابع شیعی، یکی از مهم‌ترین مصادیق مصایب که به وسیله آن امت آزمایش می‌شوند، نبود امام است. شاید بتوان از جمله مصائب انسان در عصر ظهور را مصیبت «فقدان ظاهری» امام دانست و این که نبود امام علیه السلام زمینه ایجاد مصیبت و فتنه را در آخر الزمان فراهم ساخته است. لذا یکی از مصادیق صبر در مصیبت مربوط به «مصایب» در دین است. در دعاها نیز از خداوند

می‌خواهیم که ما را در دین به مصیبت گرفتار نسازد.

۴. صبر در دین (امام): این سه مصداق پیش گفته، در مورد تطبیق با مسئله انتظار و آمادگی برای همراهی با امام علیه السلام صراحت کم‌تری دارند و نیازمند تحلیل و توجیه هستند؛ هرچند بر اساس معارف شیعی؛ می‌توان پیوند آن را کشف و تبیین کرد. با این وصف، برخی روایات به شکل صریح‌تری مسئله صبر در آیه را به رابطه با امام علیه السلام مربوط می‌دانند. به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«... لا تخلو الأرض من عالمٍ... وإنّ ذلك لمبيّن في كتاب الله قال الله: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا﴾ (عیاشی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۱۲).

این روایت مصداق تام و تمام آیه را امامان می‌دانند که خداوند در هیچ دوره‌ای زمین را از آنان خالی نساخته و توصیه حضرت به صبر در دین، می‌تواند به ایمان و پذیرش وجود حضرت حجت به عنوان امام حاضر و شاهد ناظر باشد؛ که به عنوان یکی از ارکان دین و به تعبیر رساتر «حقیقت دین» تلقی می‌شود. با این وصف این نگاه که در آخر الزمان باور به امام و عقیده به حضور این امام و مراقبت از حضور حضرتش نیازمند صبر و خویشتنداری است؛ امری است مسلم که می‌تواند مصداق صبر در آخر الزمان باشد. در روایت دیگری که باز از امام صادق علیه السلام آمده است، معنای روشن‌تری از صبر در مورد امام علیه السلام نقل شده آن جا که حضرت فرمودند: «اصبروا علی الأذى فینا...» (همان، ص ۲۱۳)؛ که یکی از مصادیق تام آن صبر در شرایطی است که امام علیه السلام در بین امت ظهور ندارند و بسان خورشید پشت ابر شیعیان و معتقدان به حضرت، بلکه همه انسان‌ها از آن منتفع‌اند. این شرایط زمینه آزار و اذیت باورمندان به حضرت را بیش‌تر از دیگران رقم می‌زند. ضمن آن که جامعه شیعه در این شرایط مورد آزار و اذیت دشمنان قرار خواهد گرفت که نمونه‌هایش را در عصر حاضر مشاهده می‌کنیم.

پس می‌توان در مجموع معانی ذکر شده برای صبر، از جمله صبر بر نمازهای پنج‌گانه، صبر بر مصیبت‌ها، صبر از گناهان، صبر بر همه واجبات، صبر بر اجرای آموزه‌های دین و صبر بر تحمل آزار و اذیت در راه اولیای خدا و ائمه هدا علیهم السلام؛ همگی را از مصادیق عموم و اطلاق امر «اصبروا» دانست که موارد قبل از آخرین مورد، زمینه ساز پیوند با امام و صبر در شرایطی است که باید ضمن پذیرش و قبول امام، خود را برای پذیرش حق و ظهور حضرتش آماده سازیم.



### ۳-۲. دلالت «صابروا» (مصابره = صبراجتماعی)

مصادیق مختلف صبر در عبارت اول (اصبروا) زمینه ارتباط معنوی با امام را فراهم می‌سازد؛ هرچند چنان‌که بیان شد، برخی روایات در پیوند این صبر با امام علیه السلام دارای دلالت صریح‌تری هستند و نمی‌توان صرفاً آن‌را در برخی مصادیق صبر، مثل صبر در طاعت یا صبر در معصیت یا صبر در برابر مصیبت معنا کرد. با این وصف، صبر فردی زمینه ساز ارتباط معنوی با امام زمان از یک سو و ورود به صبر اجتماعی از سوی دیگر است. صبر اجتماعی کارکردهای فراوانی دارد که مهم‌ترین آن همراهی با دیگر افراد مسلمان در صبر است. در واقع، نوعی «باهم صبر کردن» در امری خاص است که موجب هم‌افزایی در صبر شده و انسان را به مسیر و کمال معین شده خواهد رساند. اساساً امام که می‌خواهد سعادت جامعه را به ارمغان بیاورد، بدون تحقق چنین صبر جمعی در برابر مشکلات و مصایب از یک سو و نیز شناخت دشمنان و حربه آن‌ها از سوی دیگر نمی‌تواند به چنین موقعیتی نایل شود. از طرفی دوران غیبت امام زمان علیه السلام، زمینه بی‌صبری و کم‌تحملی را با سست شدن ایمان به حضور امام فراهم می‌کند. از این رو قرآن از یک سو به صبر فردی دستور می‌دهد و از سویی به صبر جمعی، تا تحمل افراد در برابر برخی مشکلات بالا برود. از این‌رو همگان باید در امر امام زمان و تحمل شداید و فتنه‌های آخر الزمان و حفظ و استقرار ایمان به امام عصر علیه السلام به چنین «صبر تعاضدی» دست یابند. بر این مبناست که قرآن در این آیه به چنین صبری به اهل ایمان دستور می‌دهد. برای چنین مصابره‌ای می‌توان مصادیقی در نظر آورد؛ چنان‌که مفسران و اهل تحقیق بیان کرده‌اند. از این‌رو برخی معتقدند «مصابره» در برابر رقیب (مصابره خارجی) به معنای استقامت در قبال پایداری طرف مقابل است و در کار خیر جمعی (مصابره داخلی) به معنای در کنار هم قراردادن صبرها و با هم صبر کردن و کمک کردن به صبر دیگران و ترمیم ضعف‌های فردی، با توان جمعی و ترمیم ناشکیبایی یکدیگر به حلم و بردباری خود است. صبر گروهی، مرحله برتر صبر است که اگر تحقق یابد، سبب استواری و قوت نظام اجتماعی می‌گردد و زمینه پیوند با امام را فراهم می‌سازد. لذا در این مصابره و صبر معاضدتی نیز روایاتی آمده که نشان می‌دهد. این صبر در پیوند با امام معنا می‌یابد به عنوان نمونه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده: «و صابروا علی قتال عدوکم بالسیف...» (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۴۱۸).

البته در تفاسیر شیعی، با صراحت بیش‌تری به مسئله صبر اشاره شده و مصداق آن را صبر و مقابله در برابر دشمنان امام علیه السلام معرفی کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، برخی مفسران به مصادیق



دیگری مثل صبر در برابر فرایض یا صبر در برابر مصیبت نیز به عنوان مصادیق «مصابره» یاد کرده‌اند (عیاشی، همان: ج ۱، ص ۲۱۲)؛ ولی با بیان روایاتی از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «... و صابروا عدوکم ممن یخالفکم...» (همان) و روایت «... فصابروا علی عدوکم مع ولیکم...» (همان، ص ۲۱۳ - ۲۱۲)؛ به مسئله صبر و استقامت در مقابل دشمنان ائمه علیهم السلام یاد کرده‌اند. البته صبری که همگان در کنار یکدیگر صبر کنند و صبرهای خود را در یاری امام علیه السلام با هم پیوند زنند. البته در برخی روایات نیز «صابروا» به معنای «تقیه» (همان: ج ۱، ص ۲۱۳)، آمده که شاید برای حفظ کیان شیعیان و مراقبت از آن‌ها در برابر دشمنان باشند؛ مسئله صبر جمعی و همگانی با ویژگی‌هایی که بیان شد، مورد اهتمام قرار گرفته است. نیز شاید هم بتوان آن را از باب «تطبیق» دانست.

در برخی روایات به چنین صبری - تقیه - در برابر فتنه توصیه شده؛ کما این که از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «... و صابروهم علی الفتنة...» (صدوق، ۱۳۹۴: ص ۳۶۹). با چنین بیانی می‌تواند مراد از صبر بر فتنه همان باشد که از حضرت امیرمؤمنان علیه السلام رسیده است: «کن فی الفتنة کابن اللبون، لاظهر فیرکب، ولا ضرع فیحلب» (نهج البلاغه، حکمت ۱).

بر اساس مطالب پیش گفته می‌توان به این نکته رهنمون شد که بر اساس سیاق آیه و روایات موجود وحتى دلالت معنایی آن‌ها، گرچه مضمون بیش‌تر این روایات با روایات پیش گفته در معنای «اصبروا» مشترک است؛ چنان که از هیأت دو امر «اصبروا» و «صابروا» پیداست، این معنای به دو مرحله و دوگونه از انواع صبر ناظر است: صبر فردی و صبر جمعی. صبر گروهی و دسته جمعی، مرحله برتر و عالی‌تر صبر است که اگر تحقق یابد، سبب استواری و قوت نظام اجتماعی می‌گردد. البته این صبر مشترک و تعاملی مومنان در ارتباط با امام معنا پیدا می‌کند.

### ۳-۳. دلالت فراز «مربطه»

در کنار مسئله «صبر» در آیه، دستور دیگری نیز به مومنان داده شده که آن، «مربطه» است. این واژه از ماده «رباط» گرفته شده، و آن در اصل به معنای بستن چیزی در مکانی است (میبدی، ۱۳۷۱: ص ۳۹۴)؛ چنان که اهل لغت گفته‌اند: «أُرْتَبِطُ فِرْسًا، أی: اتخذته؛ مانند بستن اسب در یک محل» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۴۲۳). و به همین دلیل به کاروانسرا «رباط» می‌گویند و «ربط قلب» به معنای آرامش دل و سکون خاطر است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ج ۴، ص ۶۸) و «مربطه» به معنای مراقبت از مرزها آمده است (زمخشری، ۱۴۱۷: ص ۳۲۸). هرچند مرکب نداشته باشد؛ در قامت حرب و اظهار حجت باشد (میبدی، ۱۳۷۱: ص ۳۹۳).



مفسران دیدگاه‌هایی را درباره آیه مطرح کرده‌اند؛ برخی معتقدند این جمله به مسلمانان «آماده باش» در برابر دشمن و مراقبت دائم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی را دستور می‌دهد، تا مسلمانان هرگز گرفتار حملات غافلگیرانه دشمن نشوند، و نیز به آن‌ها آماده باش و مراقبت همیشگی در برابر حملات شیطان و هوس‌های سرکش را دستور می‌دهد، تا غافلگیر نگردند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ج ۴، ص ۱۴۴).

البته در روایات نیز با مصادیقی برای رابطه مواجهیم که مصداق صریحش درباره ائمه مطرح شده است. به عنوان نمونه در روایت ذیل آیه از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «اصبروا علی الفرائض و صابروا علی المصائب و رابطوا علی الائمه» (عیاشی، ۱۳۸۰: ص ۲۱۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ص ۲۵۹ و نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۱، ص ۲۸۲).

روایت مذکور، گویای آن است که رابطه و مراقبت و آمادگی، به عنوان نوعی دستورالعمل در برابر امام معصوم است که مومنان باید از آن مراقبت کنند. البته در برخی از روایات، دستور رابطه به مصادیقی چون «سبیل الله» آمده است؛ چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «و رابطوا فی سبیل الله لعلکم تفلحون» (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۱۱۴).

از این‌رو، رابطه به عنوان آمادگی در برابر دشمنان و نوعی آمادگی همگانی مطرح می‌شود؛ چنان‌که مرحوم طبرسی معتقد است «رابطا» نیز به معنای رابطه از باب مفاعله بین الاتین است؛ یعنی هر اندازه و به هر شکل که ایشان برای جنگ با شما لشکر و مرکب آماده می‌کنند، شما نیز برای جنگ با ایشان ابزار و آمادگی لازم فراهم کنید (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۴۰۰)؛ مثل آیه شریفه ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...﴾ (انفال: ۶۰).

البته ایشان در معنای رابطه نوعی «مقابله به مثل» لحاظ و بیان می‌کند که شما نیز در برابر دشمن آماده باشید. خلاصه این‌که «رابطه» معنای وسیعی دارد که هر گونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل می‌شود. در فقه اسلامی نیز در باب جهاد بحثی تحت عنوان «رابطه» به معنای آمادگی برای حفظ مرزها در برابر هجوم احتمالی دشمن دیده می‌شود که احکام خاصی برای آن بیان شده است (مکارم شیرازی، همان: ج ۳، ص ۲۳۴). در بعضی از روایات به علما و دانشمندان نیز «رابطا» گفته شده است.

امام صادق علیه السلام و بهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْهُ علیه السلام قَالَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ - الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيَتَهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ؛ دانشمندان پیروان ما همانند

مرزدارانی هستند که در برابر لشکر ابلیس صف کشیده و از حمله کردن آن‌ها به افرادی که قدرت دفاع از خود ندارند، جلوگیری می‌کنند (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۱۷).

علامه برای مرابطه معنای عام‌تری از مصابره منظور و آن را معنایی فراتر از پیوند با امام و مصادیق دیگر معرفی می‌کند و معتقد است: «وَ رَابِطُوا» مرابطه از نظر معنا، اعم از مصابره است؛ چون «مصابره» عبارت است از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شدايد و مرابطه عبارت است از همین وصل کردن نیروها؛ اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شدايد، بلکه همه نیروها و کارها، در جمیع شؤون زندگی دینی؛ چه در حال شدت و چه در حال خوشی و چون مراد از مرابطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد، رسیدن به این هدف مستلزم مرابطه است؛ زیرا اگر مرابطه نباشد، هر چند صبر فردی، علم فردی و فضیلت فردی، به تنهایی سعادت آور است؛ ولی بعضی از سعادت را تأمین می‌کند - و بعضی از سعادت، سعادت حقیقی نیست - به همین جهت، دنبال سه جمله «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا» فرمودند: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»، که البته منظور از این «فلاح» هم فلاح تام حقیقی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۱۴۴).

### نتیجه گیری

آیه ۲۰۰ سوره آل عمران دستورالعملی اجتماعی را در «پیوند» با امام جامعه مطرح ساخته که می‌توان از وجود امام علیه السلام به عنوان نخ تسبیح در پیوند اعضای جامعه و همگرایی آن‌ها به سوی سعادت یاد کرد در این آیه به سه عنصر «صبر»، «مصابره» و «مرباطه» اشاره شده که می‌توان بین آن‌ها رابطه منطقی در پیوند با امام مطرح کرد. این سه شاخصه که از معیارهای ایمان از یک سو و تقوا از سوی دیگر است؛ در پیوند با امام معنا می‌یابد. در صدر آیه مسئله «ایمان» مطرح است و با دستور به صبر و مصابره و مرابطه، مهم‌ترین مصداق تحقق این سه مفهوم را می‌توان در ارتباط با ائمه هدا و در دوران حاضر امام زمان علیه السلام دانست. این سه امر در کنار تقوا که شالوده این‌هاست مسئله صبر و پیوند صبرهای مومنان و به عبارتی «صبر جمعی و معاضدت» را می‌طلبد و از سویی به آمادگی جمعی در برابر دشمنان دین دعوت می‌کند که حلقه وصل آن‌ها حضور امام است. این صبر و استقامت در کنار آمادگی همه جانبه که علامه طباطبایی آن را از آیه مستفاد می‌داند؛ به عنوان شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی است که



می‌توان جامعه منتظر را به سرمنزل مقصود برساند و آن‌ها را با امام زمان علیه السلام پیوند دهد. هرچند مصادیق مختلفی که در زمینه آیه مذکور در معنای صبر، مصابره و مرابطه بیان شد، هر کدام در جای خود با آیه قابل انطباق است، باری مسئله «پیوند با امام» را می‌توان از مهم‌ترین مصادیقی دانست که آیه مشعر به آن است. روح آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه آیات و روایات نیز موید آن هستند. برای این مطلب دو دلیل می‌توان اقامه کرد که بر روایات ذیل آیه مبتنی است. بسیاری از روایات مقصود از مرابطه را «مرباطه با ائمه» مطرح کرده‌اند که در زمان اکنون مرابطه با امام و حجت‌الاهی حضرت مهدی علیه السلام است، که امر به مرابطه درباره ایشان صدق می‌کند. در بخشی از روایات نیز به نحو اختصاصی، مقصود از مرابطه، «مرباطه با امام منتظر» مطرح شده است که روایاتش مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. با این وصف شالوده این آیه، گویای یک وظیفه‌ای اجتماعی برای امت مسلمان است که برای حفظ دین و کیان اسلامی و حراست از آن‌ها؛ از طریق مرابطه و پیوند همگانی و جمعی با امام معصوم به این مهم دست یابند.

روایات معصومان علیهم السلام، به‌ویژه موید چنین دیدگاهی از قرآن است، دیدگاهی که در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران از «صبر» به عنوان مهم‌ترین مولفه قوام بخش جامعه یاد می‌کند؛ جایی که صبر فردی در همه ابعاد و با همه مصادیق، (چه در صبر در عبادت، صبر در مقابل معصیت، صبر در مصیبت و صبر در دین) با مسئله امام پیوند می‌خورد و ازسویی صراحتاً در برخی از روایات پیوند با امام، به‌ویژه پیوند با امام منتظر به عنوان مصداق تام آن معرفی می‌شود. معنای چنین صبوری در بخش دیگر آیه، یعنی «مصابره» کامل‌تر شده و صبر مومنان را «صبر معاضدتی و جمعی» برای آمادگی و همراهی با امام قلمداد می‌کند؛ مسئله‌ای که در عبارت «رابطوا» خود را نمایان ساخته و زمینه رستگاری مومنان را فراهم می‌کند.

## منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت، نشر دار صادر.
۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، قم، مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی (۱۴۰۹ق). *تأویل الآیات الظاهره*، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق، چاپ اول، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.
۶. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف*، بیروت، دارالکتب العربی.
۷. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ق). *الفائق فی غریب الحدیث*، محقق ابراهیم: شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور*، قم، مکتبه آیت الله المرعشی نجفی.
۹. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۴). *معانی الاخبار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه های علمیه قم.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج* تحقیق: محمد باقر خراسان مرتضوی، چاپ اول، مشهد، بینا.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۱۳. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه.
۱۴. طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸). *لطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*، محقق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، بی تا.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). *العين*، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
۱۷. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر قمی*، تصحیح: سید طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتب.
۱۹. محقق، محمد باقر (۱۳۶۱). *نمونه بینات در شأن نزول آیات*، تهران، انتشارات اسلامی.

۲۰. مصطفوی تبریزی، حسن (۱۳۷۵). *التحقیق فی کلمات القرآن*، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۱ق). *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، چاپ اول، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۳. میبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، محقق: علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲۴. نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ ق). *تفسیر آسان*، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامییه.
۲۵. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.